

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه بیست و سوم 99/08/27

موضوع: اجتهاد و تقلید - آیات دال بر فوائد عمل به سنت پیامبر اکرم

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین
الحمد لله و الصلاة علی محمد رسول الله و علی آله آل الله لاسیما علی مولانا بقیة الله واللعن الدائم
علی اعدائهم اعداء الله إلی یوم لقاء الله.

جریان کشتن مردان بنی قریظه به علت خیانت در تاریخ آمده. نبی اکرم، سعد بن معاذ را که سابقاً از جمله آنان بود، حکم قرار داد آنها هم قبول کردند. او حکم کرد به قتل مردان و ضبط اموال و زنان و حکم اجرا شد.

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: فَلَمَّا انْتَهَى سَعْدٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَالْمُسْلِمِينَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص - فِيمَا حَدَّثَنَا ابْنُ
وَكَيْعٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَشِيرٍ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ عَلْقَمَةَ: فِي
حَدِيثٍ ذَكَرَهُ، قَالَ: قَالَ أَبُو سَعِيدٍ الْخُدْرِيُّ: فَلَمَّا طَلَعَ - يَعْنِي سَعْدًا - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: قَوْمُوا إِلَيَّ
سَيِّدُكُمْ - أَوْ قَالَ: إِلَيَّ خَيْرُكُمْ - فَاَنْزَلُوهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص:

أَحْكُمُ فِيهِمْ، قَالَ: فَإِنِّي أَحْكُمُ فِيهِمْ أَنْ تُقْتَلَ مُقَاتِلَتُهُمْ، وَأَنْ تُسَبَى ذَرَارِيُّهُمْ وَأَنْ تُقَسَمَ أَمْوَالُهُمْ فَقَالَ:
لَقَدْ حَكَمْتَ فِيهِمْ بِحُكْمِ اللَّهِ وَحُكْمِ رَسُولِهِ .

الكتاب: تاریخ الطبری = تاریخ الرسل والملوك، وصلة تاریخ الطبری-المؤلف: محمد بن جریر بن یزید
بن کثیر بن غالب الآملي، أبو جعفر الطبری (المتوفى: 310هـ)- (صلة تاریخ الطبری لعریب بن سعد
القرطبي، المتوفى: 369هـ)- الناشر: دار التراث - بیروت- ج 2 ص 587

در حدود 80 جنگ زمان پیامبر چه تعداد کشته شدند؟ مثلاً در «جنگ بدر»، «طبری» می گوید 84 نفر
کشته شد، «طبقات» هم دارد 84 نفر. «سیره ابن هشام» 86 نفر دارد. در «جنگ احد» هفتاد نفر، «جنگ
خندق» 9 نفر. در «جنگ بنی قریظه» بنابر نقل «طبری» 850 نفر، «طبقات» می گوید 700 نفر.

«بحار الانوار» دارد 900 نفر کشته شدند. در «جنگ خیبر» 3 نفر. مجموع افرادی که در طول این جنگ‌های مختلف کشته شدند، 1306 نفر می‌شود. یعنی در کل جنگ‌هایی که رسول اکرم در این 11 سال داشت، 1306 نفر کشته شدند.

حال ببینید در جنگ جهانی چند میلیون نفر کشته شدند (همه مسیحی). یا جنایت‌هایی که در «یمن» انجام می‌دهند، تعداد کشته‌ها اصلاً قابل مقایسه نیست. یا جنایاتی که «آمریکا» انجام داده و می‌دهد.

آغاز بحث...

دسته‌ی پنجم از روایاتی که بررسی می‌کردیم، روایاتی است که درباره مشروعیت سنت است. این سه آیه است:

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

سخن مؤمنان، هنگامی که بسوی خدا و رسولش دعوت شوند تا میان آنان داوری کند، تنها این است که می‌گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم!» و اینها همان رستگاران واقعی هستند.

سوره نور (24): آیه 51

وَمَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ

و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، و از خدا بترسد و از مخالفت فرمانش بپرهیزد، چنین کسانی همان پیروزمندان واقعی هستند!

سوره نور (24): آیه 52

يُضِلِّحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا

تا خدا کارهای شما را اصلاح کند و گناهانتان را ببامرزد؛ و هر کس اطاعت خدا و رسولش کند، به رستگاری (و پیروزی) عظیمی دست یافته است!

سوره احزاب (33): آیه 71

این آیات نشان می‌دهد که گذشته از حجیت گفتار و رفتار نبی مکرم، فلاح و رستگاری نتیجه اطاعت از رسول اکرم است. در اینجا مسئله کاملا واضح است اما چند مورد از فرمایشات فقهای شیعه و اهل سنت را می‌آوریم:

مرحوم «شیخ طوسی» متوفای 460 می‌فرماید:

«لما اخبر الله تعالى عن المنافقين أنهم إذا دعوا إلى الله ورسوله في الحكم بينهم فيما يتنازعون فيه،

فإنهم عند ذلك يعرضون عن ذلك، ولا يجيبون إليه أخبر أن المؤمنين بخلافهم وانهم إذا قيل لهم»

به منافقین وقتی می‌گویند پیغمبر حکم باشد اعراض می‌کنند و پاسخ نمی‌دهند خدای عالم خبر می‌دهد که مؤمنین به خلاف آن هستند وقتی می‌گویند:

«تعالوا (إلى الله ورسوله ليحكم بينهم)»

این‌ها در جواب می‌گویند:

«(سمعنا وأطعنا) أي قبلنا هذا القول وانقذنا إليه»

...منقاد و تسلیم هستیم

«وأجبنا إلى حكم الله ورسوله»

ما به حکم الهی و حکم رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) پاسخ مثبت می‌دهیم.

«ثم اخبر تعالى عن هؤلاء المؤمنين بأنهم»

بعد خدای عالم خبر می‌دهد که:

(فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ)

این‌ها رستگار هستند و به ثواب الهی و کریم نعمت‌های الهی رسیدند.

در ادامه خدای عالم می‌فرماید که:

«(ومن يطع الله ورسوله) بان يفعل ما أمره به ويبادر إليه (ويخشى الله ويتقاه) بأن يخاف عقابه،

فيجتنب معاصيه، فان من هذه صفته من الفائزين»

هر کس همچنین ویژگی داشته باشد این جزء رستگاران است.

التبيان في تفسير القرآن؛ المؤلف: الطوسي، محمد بن الحسن (المتوفى 460ق)، تحقيق وتصحيح:

أحمد حبيب قصير العاملي، ناشر: مكتب الإعلام الإسلامي، الطبعة: الأولى، 1409 هـ. ج 7، ص 453

مرحوم «طبرسی» همین تعبیر را در «مجمع البيان» جلد 7، صفحه 263 آورده اند. مرحوم «طباطبائی» در

«الميزان» می‌فرماید: "این آیه دلالت می‌کند که تسلیم امر الهی بودن از مقتضیات طبیعت ایمان است؛

چون مقتضای ایمان به خدا و رسول و پیوند زدن قلب در اتباع «ما حکم به الله و رسوله» مقتضای:

«التلبية للدعوة إلى حكم الله ورسوله»

لیبک گفتن به دعوت حکم الهی و رسول اکرم است.

«دون الرد، وعلى هذا فالمراد بقوله: " إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم" دعوة بعض الناس

ممن ينازعهم كدعوة بعض المتنازعين المتخاصمين الآخر إلى التحاكم إلى الله ورسوله ليحكم بينهم»

در پایان آیه می‌گوید:

«وأولئك هم المفلحون»

و این‌ها رستگار هستند

«وفيه قصر الفلاح فيهم لا قصرهم في الفلاح.»

الميزان في تفسير القرآن؛ تأليف: العلامة السيد محمد حسين الطباطبائي قدس سره، ناشر: جماعة

المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة، ج15، ص148

در مقام این است که بگوید فلاح و رستگاری منحصر در این جماعت وجود دارد نه این که آنها تنها رستگار هستند، یعنی فلاح و رستگاری منحصر به این دسته است، نمی‌گوید: مثلاً «انهم لمفلحون» بلکه «المفلحون هم المؤمنون؛ وأولئك هم المفلحون»؛ اینها هستند که رستگار می‌باشند.

در ادامه می‌گوید:

«وتشمل الآية الداعي إلى حكم الله ورسوله من المتنازعين»

الميزان في تفسير القرآن؛ تأليف: العلامة السيد محمد حسين الطباطبائي قدس سره، ناشر: جماعة

المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة، ج15، ص149

این که فلاح چه است، بحثی است که بعداً اشاره خواهیم کرد. ایشان می‌گوید آیه شامل هر کسی که به حکم الله و حکم رسول دعوت بکند می‌شود و ظاهراً مختص به رسول اکرم نیست در آیه شریفه:

﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾

بگو: «خدا را اطاعت کنید، و از پیامبرش فرمان برید! و اگر سرپیچی نمایید، پیامبر مسؤول اعمال خویش است و شما مسؤول اعمال خود! اما اگر از او اطاعت کنید، هدایت خواهید شد؛ و بر پیامبر چیزی جز رساندن آشکار نیست!»

سوره نور (24): آیه 54

در این جا می‌گوید:

اولا «أمر بطاعة الله فيما أنزل من الدين»

دستور داده به طاعت خدا در هر چه که نازل شده از دین.

ثانیا « وَأَمْرُ بِطَاعَةِ الرَّسُولِ فِيمَا يَأْتِيهِمْ بِهِ مِنْ رَبِّهِمْ »

و دستور داده از پیغمبر اطاعت کنید در هر چه که از طرف پروردگار برای شما می‌آورد.

«وَيَأْمُرُهُمْ بِهِ»

و پیغمبر امر می‌کند به ان

«فِي أَمْرِ دِينِهِمْ وَدُنْيَاهُمْ»

این نشان می‌دهد که **(أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ)** مطلق است، اختصاصی به مسائل متنازعین و یا مسائل احکام دینی ندارد، بلکه مطلق است و تمام امور دینی و دنیایی را شامل می‌شود و از این مطلب در باب حکومت سیاسی رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) استفاده می‌شود.

بعد ایشان می‌گوید اینکه اول کلام «قل» آمده یعنی بگو **(أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ)** ، اشاره است به اینکه:

«الطاعة جميعا لله»

به مردم بگو از طرف خدای عالم که خدا و پیغمبر را اطاعت کنید؛ یعنی در حقیقت اطاعة الرسول هم اطاعة الله است. اینکه **(وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ)** آمده، برای تأکید است.

«دون أن يقول: وأطيعوني»

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُونِي» نفرمود، چرا؟

«لان طاعة الرسول بما هو طاعة الرسول طاعة المرسل»

طاعت پیغمبر «بما هو هو» طاعت خدای عالم است که پیغمبر را ارسال کرد.

«وبذلك تتم الحجة»

حجت هم با این تمام می‌شود.

تا همه بفهمند این قضیه مربوط به خدای عالم است. در ادامه می‌گوید:

«فإن تولوا فإنما عليه ما حمل وعليكم ما حملتم أي فإن تتولوا وتعرضوا عن طاعة الرسول»

اگر اعراض کنید و تسلیم امر خدا نشوید:

«لم يضر ذلك الرسول»

ضرری به پیغمبر نمی‌رسد.

(إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا)

اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید؛ و اگر بدی کنید باز هم به خود می‌کنید.

سوره اسراء (17): آیه 7

«لكن إن تطيعوا الرسول تهتدوا»

لكن اگر اطاعت از پیغمبر کردید، هدایت می‌یابید.

چرا؟

«لان ما یجئ به إلیکم وما یأمرکم به، من الله و بأمره»

چون تمام آنچه که پیغمبر از احکام و ... به شما ابلاغ می‌کند، از طرف خدا و به امر او «جل جلاله» است.

«والطاعة لله وفيه الهداية.»

همه اطاعت مال الله است و هدایت، در آن اطاعت است.

الميزان في تفسير القرآن؛ تأليف: العلامة السيد محمد حسين الطباطبائي قدس سره، ناشر: جماعة
المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة، ج15، ص150

اما از علما اهل سنت، «محمد ابن ادريس شافعي» كتابي به نام «احكام القرآن» دارد، البته ظاهراً (از گفتار او) جمع آوری شده است؛ یعنی نوشتار خودش نیست برخلاف «أم» که کتاب نوشته خودش است.
ایشان در جلد 1، صفحه 30 بحث آیه (فلا وربك لا يؤمنون) را می آورد، بحث خصومت «زبیر» و ... را مطرح می کند در آخر می گوید:

«فأعلم الله الناس»

خدای عالم به مردم اعلام کرده:

«أن دعاءهم إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم ليحكم بينهم دعاء إلى حكم الله»

دعوت کردن مردم به سوی پیغمبر که در (دعوا إلى الله ورسوله) آمده ، دعوت الی الله است.

«وإذا سلموا لحكم النبي صلى الله عليه وسلم فإنما سلموا لفرض الله»

تسلیم حکم پیغمبر، تسلیم امر الهی است.

أحكام القرآن؛ اسم المؤلف: محمد بن إدريس الشافعي أبو عبد الله الوفاة: 204، دار النشر: دار الكتب
العلمية - بيروت - 1400 ، تحقيق: عبد الغني عبد الخالق، ج1، ص30

«ابن كثير دمشقي» هم این آیه را می آورد و می گوید: خدای عالم خبر داده از صفت مؤمنینی که اجابت می کنند خدا و پیغمبر را و

«لا ييغون ديناً سوى كتاب الله وسنة رسوله»

غیر از کتاب خدا و سنت پیغمبر دین دیگری را انتخاب نمی کنند.

و مؤمنین می گویند:

« (إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم أن يقولوا سمعنا وأطعنا) أي سمعنا وطاعة ولهذا وصفهم
تعالى بالفلاح وهو نيل المطلوب والسلامة من المرهوب فقال تعالى (واولئك هم المفلحون)»

تفسير القرآن العظيم؛ اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير الدمشقي أبو الفداء الوفاة: 774، دار
النشر: دار الفكر - بيروت - 1401، ج3، ص300

«سید محمود آلوسی سلفی» در «روح المعانی» جلد 18، صفحه 198 هم می آورد و ادامه می دهد که:

«أي هم الفائزون بكل مطلوب والناجون عن كل محذور»

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني؛ اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين
السيد محمود الألوسي البغدادي الوفاة: 1270 هـ، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج18،
ص198

«محمد طاهر ابن عاشور» از معاصرین است و آدم فاضلی است و نکات خیلی خوبی دارد. ایشان درباره این
آیه می گوید:

«وتشمل غيره من الطاعات بالقول أو بالفعل»

تمام دستورات پیغمبر چه دستورات قولی باشد چه فعلی، همه را شامل می شود!

التحرير والتنوير؛ اسم المؤلف: محمد الطاهر بن عاشور الوفاة: 1284، دار النشر: دار سحنون للنشر
والتوزيع - تونس - 1997م، ج18، ص276

البته در این مباحث حجیه سنت، وقتی کلمه «الفعل» را می آوریم، به دو مسئله باید توجه کنیم:

یک: قرینه ای نداشته باشیم که این فعل پیغمبر، از مختصات پیغمبر باشد.

دو: بررسی کنیم که آیا فعل پیغمبر واجباً انجام شده یا مستحباً و یا مباحاً؟ حراماً ترک شده یا مکروها؟

اگر چنانچه قرینه ای نداشتیم، همان حرفی را باید بزنی که در او امر پیغمبر می‌زنیم. امر پیغمبر اولاً و بالذات دال بر وجوب است؛ الا قرینه ای بر ندب یا اباحه داشته باشیم.

آقای « محمد متولی شعرای » که از « صوفی » ها است و متوفای 1418 است (غیر از شعرای که قرن 9 و 10 بوده است) در رابطه با (أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) می‌گوید:

(المُفْلِحُونَ) یعنی چه؟

«الفائزون الذين بلغوا درجة الفلاح»

«مفلحون» آن‌هایی هستند که به درجه رستگاری رسیدند.

بعد می‌گوید:

«ومن العجيب أن يستخدم الحق سبحانه كلمة الفلاح»

عجیب است که خدای عالم واژه فلاح را در قرآن استخدام کرده است. (اصل واژه فلاح):

«وهي من فلاحه الأرض»

از کشت و کار زمین است.

به کشاورز «فلاح» می‌گویند؛ یعنی کشاورز زمین را می‌کارد و درو می‌کند

«لأن الفلاحة في الأرض هي أصل الاقتنيات»

کشاورزی ریشه تأمین روزی است.

که اگر چنانچه کشاورزی در کره زمین نباشد، نه میوه ای است و نه نانی و ... و بشر محتاج نان و امثال اینها است. و حتی کشاورزی شامل دامداری هم خواهد شد. اصل تأمین روزی خلأق با کشاورزی و فلاحت است.

بعد می‌گوید:

«وكل مَنْ أتقن فلاحة أرضه جاءت عليه بالثمرة الطيبة وزاد خيره»

کسی کشاورزی خوب و دقیقی انجام بدهد قطعاً ثمره طیبه نصیبش خواهد شد.

«تضاعف محصوله»

محصول آن چند برابر خواهد شد.

«حتى إن حبة القمح تعطي سبعمائة حبة»

حتی یک حبه از گندم هفتصد حبه ثمر می‌دهد.

بعد می‌گوید:

«فإذا كانت الأرض وهي مخلوقة لله تعالى تعطي من يزرعها كل هذا العطاء، فما بالك بخالق الأرض

كيف يكون عطاؤه؟»

حال که زمینی که مخلوق خداست به کشاورزی که آن را می‌کارد، اینطور عطا می‌کند (و ثمر باز می

گرداند)، خالق ارض اگر بخواهد به انسان عطا بکند چه خواهد شد؟

الکتاب: تفسیر الشعراوی - الخواطر- المؤلف: محمد متولی الشعراوی (المتوفى: 1418هـ)

الناشر: مطابع أخبار اليوم-ج 17 ، ص 10308 (صفحات مجموعی)- (براساس المكتبة الشاملة)

«طنطاوی» هم که مدتی شیخ «الأزهر» بوده، می‌گوید

«وأولئك "الذين يفعلون ذلك" هم المفلحون "فلاحا تاما فى الدنيا والآخرة»

الکتاب: التفسیر الوسیط للقرآن الکریم- المؤلف: محمد سید طنطاوی- الناشر: دار نهضة مصر للطباعة

والنشر والتوزيع، الفجالة - القاهرة ج 10 ، ص 144 (براساس نرم افزار المكتبة الشاملة)

«تفسیر الوسیط» تفسیر خوبی است . تقریباً تعصباتش از دیگران شاید یک مقداری کمتر باشد.

«علیمی مقدسی» متوفای 927 ایشان هم شبیه این تعابیر را دارد. کتاب «فتح الرحمن فی تفسیر القرآن»
جلد 4، صفحه 552.

آیه آخر:

**قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا
وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ**

بگو: «خدا را اطاعت کنید، و از پیامبرش فرمان برید! و اگر سرپیچی نمایید، پیامبر مسؤول اعمال
خویش است و شما مسؤول اعمال خود! اما اگر از او اطاعت کنید، هدایت خواهید شد؛ و بر پیامبر
چیزی جز رساندن آشکار نیست!»

سوره نور (24): آیه 54

در این جا مرحوم «شیخ طوسی» می گوید:

«ان أطعتم رسوله تهتدوا»

التبيان في تفسير القرآن؛ المؤلف: الطوسي، محمد بن الحسن (المتوفى 460ق)، تحقيق وتصحيح:
أحمد حبيب قصير العاملي، ناشر: مكتب الإعلام الإسلامي، الطبعة: الأولى، 1409هـ. ج7، ص454

مرحوم «طبرسی» همین تعبیر را دارد:

«(وما على الرسول إلا البلاغ المبين) أي: ليس عليه إلا أداء الرسالة وبيان الشريعة، وما أنت عليهم
بوکیل»

مجمع البيان في تفسير القرآن؛ الطبرسي، الفضل بن الحسن (المتوفى 548ق)، تحقيق: لجنة من
العلماء والمحققين الأخصائيين، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت، الطبعة الأولى،
1415هـ - 1995م. ج7، ص265

مرحوم «طباطبائی» (رضوان الله تعالى) می گوید:

«قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ» وَأَمْرٌ بِطَاعَةِ الرَّسُولِ

الميزان في تفسير القرآن؛ تأليف: العلامة السيد محمد حسين الطباطبائي قدس سره، ناشر: جماعة

المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة، ج15، ص150

همان بحث قبل را می آورد. «طبری» در اینجا می گوید:

«وإن تطيعوا أيها الناس رسول الله فيما يأمرکم وینهاکم ترشدوا»

اگر خدا و پیغمبر را اطاعت کنید، به رشد و حق خواهید رسید.

جامع البيان عن تأويل آي القرآن؛ اسم المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن خالد الطبري أبو جعفر

الوفاء: 310، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1405، ج18، ص158

«نسفی» همین تعبیر را دارد:

«وإن اطعموه فيما يأمرکم وینهاکم»

اگر پیغمبر را در اوامر و نواهی اش اطاعت کنید.

«فقد احرزتم نصيبکم من الهدی»

«فالضرر فی تولیکم»

ضرر در رویگردانی از پیغمبر است.

تفسیر النسفی؛ اسم المؤلف: النسفی الوفاء: 710، دار النشر: ج3، ص154

«بیضاوی» هم همین تعبیر را دارد.

آقای «ابن کثیر دمشقی» هم می گوید: آن صراطی که:

« صراط الله الذي له ما في السموات وما في الأرض »

« وذلك لأنه يدعو إلى صراط مستقيم »

تفسير القرآن العظيم؛ اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير الدمشقي أبو الفداء الوفاة: 774، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1401، ج3، ص300

آقای «آلوسی» هم می‌گوید:

«وَأَنْ تَطِيعُوهُ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ مِنَ الطَّاعَةِ تَهْتَدُوا إِلَى الْحَقِّ»

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني؛ اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسي البغدادي الوفاة: 1270 هـ دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج18، ص201

در جای دیگر(جلد 1) ایشان می‌گوید:

«وإن تطيعوه تهتدوا إلى الصراط المستقيم قولاً وعملاً»

شما باید در گفتار و عمل اطاعت کنید!

«فلا سبيل لكم إلى الهداية إلا بطاعته، وبدون ذلك ، لا يمكن، بل هو محال»

بدون اطاعت از پیغمبر رسیدن به هدایت امکان‌پذیر نیست بلکه از محالات است.

تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان؛ اسم المؤلف: عبد الرحمن بن ناصر السعدي الوفاة: 1376، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - 1421 هـ - 2000 م، تحقيق: ابن عثيمين تفسير السعدي، ج 1، ص 573

از این آقایان باید سوال کرد: اینکه می‌گویید هدایت، بدون اطاعت از پیغمبر (قولاً و عملاً) از محالات است، آیا این قاعده در همه جا جاری است یا هر چه و هر جا که شما از هدایت تصور کنید ؟

«طنطاوی» همین تعبیر را دارد البته مورد خطاب را منافقین در نظر گرفته:

«وإن تطيعوا أيها المنافقون - رسولنا صلى الله عليه وسلم في كل ما يأمركم به أو ينهاكم عنه ، تهتدوا

إلى الحق»

اگر چنانچه در تمام اوامر و نواهی اطاعت کنید به حق خواهید رسید.

التفسير الوسيط للقرآن الكريم؛ نویسنده: سید محمد طنطاوی، ج 1، ص 145

«لجنة دائم افتاء عربستان سعودی» هم مفصلاً آورده ، و می‌گوید:

«الاحكام الشرعية كما تأخذ من القرآن تأخذ من السنة الثابتة عن النبي»

همانطور که ما از قرآن، احکام را می‌گیریم، از سنت هم می‌گیریم.

«لقوله تعالى»

بعد تمام آیاتی که در رابطه با اطاعت پیغمبر است می‌آورد.

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ»؛ (فَلَا وَ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ)؛ (مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ)؛ (وَ مَنْ

يُشَاقِقِ الرَّسُولَ)؛ (وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ)؛ الی غیر ذلك من الايات القرانية

الدالة على وجوب العمل بما صح عن النبي والاحاديث»

آیاتی که دلالت می‌کند بر اینکه واجب است عمل کنیم به آنچه که صحیحا از نبی مکرم به ما رسیده

است.

بعضی از آیات دیگر هم هست که دلالت بر این مطالب و مبانی می‌کند. مثل :

(أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ

وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًا)

آنها پیامبرانی بودند که خداوند مشمول نعمتشان قرار داده بود، از فرزندان آدم، و از کسانی که با نوح بر کشتی سوار کردیم، و از دودمان ابراهیم و یعقوب، و از کسانی که هدایت کردیم و برگزیدیم. آنها کسانی بودند که وقتی آیات خداوند رحمان بر آنان خوانده می‌شد به خاک می‌افتادند، در حالی که سجده می‌کردند و گریان بودند.

سوره مریم (19): آیه 58

(وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ)

مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر می‌کنند؛ نماز را برپا می‌دارند؛ و زکات را می‌پردازند؛ و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند؛ بزودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد؛ خداوند توانا و حکیم است!

سوره توبه (9): آیه 71

مجموعاً ما 35 آیه در قرآن پیدا کردیم که به نظر فقها و بزرگان شیعه و اهل سنت، بر مشروعیت سنت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) دلالت می‌کند.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»